

# تاریخ شیراز

الله‌قلی اسلامی

آن است که در حدود نه هزار سال قبل جلگه مرو دشت و یا سایر نقاط فارس مسکون و ساکنین آن دارای تمدن عالی بوده‌اند. در مورد شهر شیراز نیز اطلاعات دقیقی در دست نبود و مورخین اسلامی قدمت آن را مربوط باوایل دوره اسلام می‌دانستند. عده‌ای از جهانگردان اروپائی و غیراروپائی که در طی قرون گذشته از شیراز دیدن نموده‌اند درباره این شهر زیبا مطالب مفصلی در سفرنامه‌های خود نوشته‌اند که ما قسمتی از آنها را ذیلاً نقل می‌کنیم:

ابن بطوطه سیاح معروف مراکشی که از سال ۷۲۵ هجری قمری مسافرت خود را بطرف ایران آغاز کرد در سفرنامه خود در مورد شهر شیراز چنین مینویسد:

از نابین به شیراز رفتیم شیراز شهری است قدیمی و وسیع و مشهور و آباد و دارای باغهای عالی و چشمه سارهای پر آب و بازارهای بدیع و خیابانهای خوب در این شهر نظم و ترتیب عجیبی حکم فرما است هر یک از اصناف پیشه‌وران در بازار جداگانه‌ای متمرکز می‌باشند و از افراد صنایع دیگر در میان آنها داخل نمیشوند هیچ شهری از لحاظ زیبایی بازارها و باغها و آبها و خوشگلی مردم به پایه دمشق نمیرسد مگر شیراز این شهر در زمین مسطحی واقع شده و گرداگرد آن را از هر سو باغها فرا گرفته و پنج نهر از وسط شهر می‌گذرد یکی از آنها نهر معروف رکن آباد است که آب شیرین و گوارائی دارد.

اوژن فلاندن که در سال ۱۸۴۱ بایران مسافرت نموده در صفحه ۲۷۱ سفرنامه خود در مورد این شهر می‌نویسد: اهالی شهر در حدود ده هزار است که در دوازده محله که شش دروازه بزرگ میدارد منقسمند تقریباً بوسط شهر ارگ یا قصر مستحکمی است که حصارکنگره‌داری بدورش می‌باشد و از کریم‌خان زند است این محوطه بسیار بزرگ و از چندین منزل تشکیل یافته است که بعضی مختص به حاکم و دیگران برای خدمتکاران و نوکرانش می‌باشد.

مادام دیولافوا که در معیت همسرش مارسل دیولافوا در سال ۱۸۸۱ بایران مسافرت نمود در سفرنامه خود راجع به شهر شیراز چنین می‌نویسد: مورخین اسلامی بنای آن را در سال ۶۹۵ میلادی ذکر کرده‌اند و بنوبت بتصرف سلاطین

در نقاط مختلف فارس تا کنون کاوشهای مهم باستان‌شناسی صورت نگرفته است که بتوان در مورد قدمت نقاط قبل از تاریخ این منطقه اظهار نظر قطعی نمود و هنوز غارها و مساکن بشر اولیه و تپه‌های نئولیتیک و کالکولیتیک<sup>۱</sup> بسیاری وجود دارد که باید مورد کاوش و بررسی دقیق قرار گیرد تا بتوان در مورد ساکنین اولیه این منطقه اظهار نظر نمود، ولی با کاوشهایی که در سالهای گذشته در جلگه مرو دشت و یا سایر نقاط فارس بوسیله هیئت‌های ژاپونی، بلژیکی، انگلیسی صورت گرفت و اداره کل باستان‌شناسی نیز قسمتی از آنها را در گذشته و حال دنبال نمود، آثاری از هزاره پنجم قبل از میلاد مسیح در اتلال باستانی این منطقه بدست آمد و نیز در تپه‌های مختلف آثاری از هزاره اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم قبل از میلاد مسیح ضمن کاوشهای چند ساله کشف گردید. از نظر مقایسه آثار مکشوفه با قدیمی‌ترین آثار کشف شده در سایر تپه‌های ایران مانند گودین، شوش، جعفرآباد، گیان، سیلک، حسنلو، گنج دره هر سبب برابری نموده و هم‌دوره می‌باشد. اظهار نظر مذکور مربوط به اتلال و آثاری است که در جلگه‌ها قرار دارد و آثار مذکور نیز بطور کامل مورد کاوش قرار نگرفته بلکه مربوط به کاوشها و گمانه‌زنیهای موقتی است که در بعضی از این اتلال صورت گرفته است. تعداد زیادی تپه‌های باستانی و آثار تاریخی در منطقه مذکور وجود دارد که فقط شاید اسمی از آنها در کتب برده شده باشد و با مختصر بررسی معلوم گردید تعداد بیشماری تپه و آثار باستانی وجود دارد که اسمی هم از آنها در فهرستها و کتب برده نشده است و باید بتدریج مورد کاوش و بررسی قرار گیرد. بعنوان مثال در حوزه بخش‌داری فرابند فیروزآباد شاید بیش از بیست و پنج اثر باستانی تا کنون شناخته گردیده است. با بررسیهای بعدی این امکان وجود دارد که غارهایی که تمدن آن خیلی قدیمی‌تر از دوره مذکور باشد در منطقه کشف شود. در کاوشهای تپه‌های باستانی جلگه مرو دشت بوسیله هیئت مشترک ایران و ژاپون و هیئت مشترک ایران و بلژیک آثار و ابزار سنگی بدون وجود فلز از طبقات آخری تپه‌ها بدست آمده و این آثار مربوط بدوره نئولیتیک است که قدمت آن بین ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح میرسد و نتیجه‌ای که از این کاوشها عاید میشود



سه پایه مفرغی مکشوف درکنار شهر شیراز، مربوط باوایل هزاره اول قبل از میلاد مسیح

درنبتنه‌های گلی مذکور که بخط میخی ایلامی و تعدادی نیز به پارسی باستان است و در کاوشهای مذکور بدست آمد چند جا نام شیراز دیده میشود و این الواح صورت دستمزد کارگرانی است که از طرف داریوش بزرگ شاهنشاه هخامنشی در شیراز مشغول کارهای ساختمانی بوده‌اند و دستمزد خود را از شهریار هخامنشی دریافت مینمودند. برای مزید اطلاع ترجمه لوحه شماره ۴۲ نقل میگردد:

« از تانخما بوهوش خزانه‌دار پارسه گزارش میدهد: ۳۷ کارشا و یک شکل و ربع شکل نقره معادل نصف مزد کارگرانی که با کورادا عنوان سرکاری صد نفر کارگر را در شیراز دارد و مسئول کار ایشان است بابت ماه سامیا در سال نوزدهم «سلطنت خشیارشا» داده می‌شود صورت ریز کارگران و میزان دستمزد هر یک بشرح زیر در لوحه ذکر شده است: ۱۲ نفر مرد هر کدام سه شکل و  $\frac{1}{4}$  شکل ۱۱ پسر بچه هر کدام دو شکل و  $\frac{1}{4}$  شکل . . . . در ماه سامیا از سال ۱۹ این دستور مهر شده داده شد و از مگابیزوس در پارسه رسید دریافت گردید. »

[شکل ۲ نقره واحد پول نقره در دوره هخامنشی است.]

۱ - Noelithic که بدان در فارسی دوران نوسنگی گفته‌اند در حدود ۱۰,۰۰۰ سال پ. م. می‌باشد و Chalcalithic که شاید بتوان بدان نام دوران «سنگ مفرغی» داد بلافاصله پس از نوسنگی است و در حدود ۵,۰۰۰ سال پ. م. تقویم کرده‌اند.

۲ - به کسر اول و دوم.

مختلف ایران درآمده است. در زمان کریم‌خان زند به اوج ترقی خود رسیده است. کریم‌خان عنوان پادشاهی اختیار نکرد و بلقب و کیل‌الرعا یا قانع شد دوران شهر خندق و حصار کشید و ابنیه عالی در آن بنا کرد و در بیرون محوطه شهر باغهای سرو و مرکبات زیاد ایجاد نمود و در محله‌ای که هنوز بنام او افتخار دارد قصر و بازاری ساخت که بهترین بازارهای ایران است و مسجد و مدرسه بسیار با ابهتی باین ساختمانها ضمیمه کرد. باری با اینکه ابنیه مذهبی شیراز از روی نقشه ابنیه اصفهان ساخته شده است از حیث تزئینات وضع جداگانه‌ای دارد چنین بنظر می‌آید که هنرمندان شیرازی تخته رنگ پیشینیان خود را بدور انداخته و اصول جدیدی از باغهای با صفای شیراز بعاریت گرفته‌اند.

در مورد شهر شیراز بنا بر آنچه تا کنون تحقیق بعمل آمده و مطالبی که در کتب و تواریخ نوشته شده است قدمت آن را مربوط باوایل دوره اسلام می‌دانند و بنا بر آنچه مشهور و در تواریخ نوشته شده در سال ۷۴ هجری قمری بوسیله محمد برادر حجاج ابن یوسف ثقفی که در آن موقع حاکم فارس بود شهر شیراز بنا گردید و بتدریج روی باآبادانی نهاد قسمت عمده آبادی شهر شیراز بعد از تخریب شهر باستانی استخر صورت گرفت. در سال ۴۳۶ هجری قمری ابو کالنجار فرزند عضالدوله دیلمی شهر استخر را ویران نمود و مردم شهر مذکور را بشیراز کوچ داد و از این تاریخ شهر شیراز رونق و توسعه و آبادانی نهاد. این خلاصه مطالبی است که در کتب و تواریخ در مورد بنای شهر شیراز ذکر شده است. کاوشهای باستان‌شناسی که در اطراف شهر شیراز صورت گرفته قدمت آن را کمی بجلو برده است. در شش کیلومتری مشرق شیراز بقایای ابنیه و دیواری سنگی و آجری دیده می‌شود که به قصر ابونصر مشهور است. در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ شمسی از طرف موزه متروپولیتن نیویورک کاوشهای علمی مفصلی در آن صورت گرفت و نمونه‌های سفال و قطعات ظروف سنگی عهد هخامنشی با سکه‌ها و آثار دیگری از دوره پارتها و ساسانیها در آن کشف گردید و بنای مستحکم از دوره پارتها بر روی آثار هخامنشی از زیر خاک خارج گردید که بقایای آن هم اکنون در محل مذکور دیده میشود و در دوره ساسانیان نیز بنای پارتی مورد استفاده بود. نام شیراز قبل از این در کتیبه‌ها و یا الواح قدیمی دیده نشده بود تا اینکه در اواخر سال ۱۳۱۲ شمسی هنگام خاکبرداری گوشه شمال شرقی صفا تخت جمشید و در قسمت شمالی دروازه نیمه تمام به سی هزار لوح برخورد گردید و چون در آن موقع خاکبرداری آثار باستانی تخت جمشید بوسیله دانشگاه شرق شیکاگو انجام میگرفت کلیه الواح در اختیار دانشگاه مذکور قرار گرفت، و تا کنون نیز در حدود پنج هزار عدد از الواح مذکور پس از بررسی خوانده شده است و خواندن بقیه آنها ادامه دارد.

نام شیراز در کتیبه (تی رازی ایش) خوانده شده و در بعضی دیگر (شی - را - زا - ای - ایش) نوشته شده است. تاریخ کتیبه نیز مربوط با اواخر سال ۴۶۶ پیش از میلاد می باشد. بهر حال اطلاعاتی که ما از تاریخچه شهر شیراز داشتیم از این حدود تجاوز نمی کرد تا اینکه در اواخر بهار سال ۱۳۴۹ مقدری اشیاء و آثار در حین خاکبرداری در یکی از کوره های آجرپزی شیراز کشف گردید.

اشیای مذکور از هر لحاظ جالب توجه و مورد مطالعه می باشد و از طرفی چون اشیای مذکور در کنار شهر شیراز و در قسمت جنوبی شهر بدست آمد و مربوط به اوایل هزاره اول پ. م. می باشد معلوم می گردد که شهر شیراز در اوایل هزاره اول پ. م. مسکون و دارای تمدن بسیار عالی بوده که نمونه آن اشیای مکشوفه در محل مذکور می باشد و اینک بطور اختصار اشیای مکشوفه را مورد بررسی قرار میدهم :

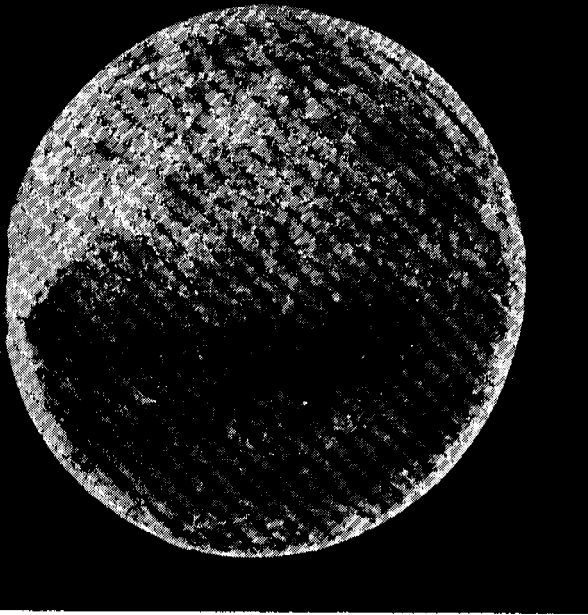
## محل کشف اشیاء

اشیای مورد بحث و آثار مربوط بآن در موقع خاکبرداری يك کوره آجرپزی در مجاور شهر شیراز و در قسمت جنوبی آن بدست آمده است. محل کارخانه آجرپزی در خارج شهر شیراز در قسمت جنوب غربی شهر در ابتدای راه شیراز به کازرون قرار دارد، کارخانه آجرپزی در قسمت جنوب غربی مخزن نفت دروازه کازرون و يك کیلومتری جنوب غربی جاده واقع شده است. محل کشف اشیاء و آثار سمت جنوب غربی کوره آجرپزی قرار دارد. بعلا کشف اشیاء در محل مذکور خاکبرداری در این قسمت از کوره آجرپزی متوقف گردید. اشیای مکشوف از شش فقره تجاوز نمی نماید و جالب ترین اشیای مکشوف عبارتند از :

- ۱ - سه پایه ای از جنس مفرغ دارای دو حلقه در بالا و پائین پایه ها که این دو حلقه بوسیله هشت ستون بهم مربوط گردیده اند و بهر يك از ستونها مجسمه رب النوع یا ربت النوعی به پشت نصب گردیده است.
  - ۲ - ظرف و قدح سنگی از جنس مرمر که دارای شیار برجسته ای در لبه می باشد.
  - ۳ - قطعاتی از يك بشقاب مرمر که با وصالی نمودن امکان کامل بودن آن می رود.
  - ۴ - يك سرپوش از جنس مفرغ که بصورت مخروط ناقص ساخته شده است.
- اینک به معرفی اشیای مکشوفه می پردازد :

### ۱ - سه پایه مفرغی

در حین خاکبرداری کارگران کارخانه آجرپزی متوجه



کاسه مرمی مکشوف در کنار شهر شیراز، مربوط با اوائل هزاره اول قبل از میلاد مسیح

میشوند که کلنگ آنها به شیئی سختی برخورد نموده است و بهمین جهت با دقت بیشتری بخاکبرداری خود ادامه میدهند و در نتیجه يك شیئی مفرغی که شبیه سرپوش ظرف و بصورت مخروط ناقص از جنس مفرغ بود کشف و بعد سه پایه مفرغی که در زیر آن بود از خاک خارج میگردد. متأسفانه سرپوش مفرغی از چند نقطه بوسیله کلنگ زخمی و سوراخ شده است طرز قرار گرفتن سرپوش مفرغی بر روی سه پایه جالب بود قسمت مخروطی سرپوش در داخل سه پایه قرار داشت و مسلماً سرپوش مفرغی سه پایه مورد بحث بهم مربوط و جنبه مذهبی داشته اند و در مواقع انجام مراسم مذهبی از این دو استفاده مینمودند. حال چه استفاده از سرپوش سه پایه زیر آن مینمودند قابل بحث و جالب است. از سه پایه برای آفرودختن آتش و از سرپوش روی آن برای گرم نمودن آب یا مواد غذایی و نوشیدنی استفاده مینمودند. در موزه ایران باستان سه پایه ای با این طرح زیبا ندیده ام و شاید در نوع خود منحصر بفرد و جالب باشد. سه پایه مذکور را که باید هشت پایه نامید بطرز بسیار جالب و مخصوصی ساخته اند. دو حلقه کلفت مدور در پایه و بالای سه پایه قرار دارد و این دو حلقه بوسیله هشت ستون مفرغی بهم مربوط شده اند بطوریکه با کمال دقت در ساخت بصورت يك شیئی يك پارچه درآمده است.

قطر دهانه بالای سه پایه ۳۰٫۵ سانتیمتر و فاصله دودست باز ربت النوع ۸٫۵ سانتیمتر و بلندی ربت النوع ۱۱ سانتیمتر و فاصله بین دو حلقه سه پایه ۲۲ سانتیمتر می باشد بر هر پایه مجسمه رب النوع یا ربت النوعی به پشت نصب شده است. رب النوعها و ربت النوعها در حال نیایش دیده می شوند. منظره روحانی بسیار جالبی در نظر انسان مجسم میشود. رب النوعها

در زیر سه پایه مراسم مذهبی را معمول می‌داشتند .

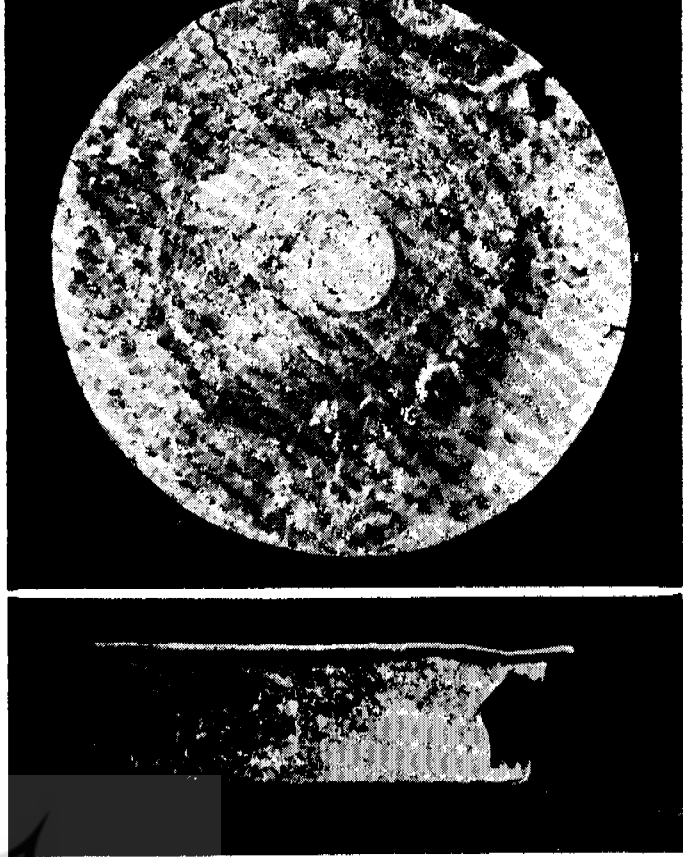
### ۳ - ۴ - بشقاب و کاسه مرمری

در جزء اشیائی که در محل مذکور کشف گردید يك بشقاب و يك کاسه از جنس مرمر آهکی وجود دارد . بشقاب مرمری که در گذشته شکسته شده بود بصورت هشت قطعه جدا از هم جمع‌آوری گردید . کاسه مرمری نیز بسیار جالب توجه و تقریباً سالم است و در لبه آن پریدگیهای مختصری دیده می‌شود . جنس کاسه نیز از نوع سنگ مرمر آهکی است و دارای شیار برجسته‌ای در لبه می‌باشد .

منظور از معرفی اشیای فوق بررسی تاریخ و تاریخچه شهر شیراز است و آنچه تاکنون برای ما شناخته بود قدمت شیراز را با اوایل دوره هخامنشی نسبت میدادیم با کشف اشیای مذکور و آثار مربوط بآن در کنار شهر شیراز معلوم میگردد شهر شیراز در اوایل هزاره اول شهری آباد بوده و مرکزینی از نظر تمدن داشته است و بدون وجود يك تمدن عالی ساختن اشیائی نظیر سه پایه مفرغی و مجسمه‌های زیبا بر روی آن امکان نداشته است چه میدانیم شاید در حفاریهای بعدی شیراز خیلی قدیمی‌تر از هزاره اول شناخته شود و قدمت آن از سه هزار سال نیز تجاوز کند .

### فهرست منابع و مآخذی که برای تهیه این مقاله بآنها مراجعه شده است

- ۱ - ایران از آغاز تا اسلام تألیف دکتر گیرشمن .
- ۲ - باستان‌شناسی ایران تألیف پرفسور واندنبرگ ، ترجمه دکتر عیسی بهنام .
- ۳ - نگاهی به معماری ایران تألیف سید محمد تقی مصطفوی .
- ۴ - اقلیم پارس تألیف آقای سید محمد تقی مصطفوی .
- ۵ - الواح گلی تخت جمشید تألیف پروفسور ژرژ کامرون ترجمه آقای سید محمد تقی مصطفوی .
- ۶ - تمدن مردم فلانت ایران تألیف آقای دکتر عیسی بهنام .
- ۷ - شیراز نامه ابن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی .
- ۸ - هشت سال در ایران تألیف سر پرسی سایکس .
- ۹ - فارس نامه حاج میرزا حسن فسانی .
- ۱۰ - سفرنامه اوژن فلاندن ، ترجمه آقای نور صادقی .
- ۱۱ - مجلد چهارم گزارشهای باستان‌شناسی .
- ۱۲ - سفرنامه مادام دیولافوا .
- ۱۳ - تاریخچه شهر شیراز و شرح آثار باستانی آن تألیف آقای علی سامی .
- ۱۴ - جلد اول و دوم تمدن هخامنشی تألیف آقای علی سامی .



بالا : سه پایه مفرغی مکتشف در کنار شهر شیراز ، مربوط باوائل هزاره اول قبل از میلاد مسیح  
پائین : سرپوش مفرغی مکتشف در کنار شهر شیراز ، مربوط باوائل هزاره اول قبل از میلاد مسیح

دست را بطرفین باز نموده و دوزانو نشسته‌اند . دستهای باز شده در طرفین سر آنها عمودی قرار دارد و دستها از آرنج خم شده است و يك جنبه روحانی بخود گرفته‌اند . دو پای مجسمه‌ها بهم وصل شده و بوسیله يك دنباله مفرغی ربت‌النوعها باز بهمان ترتیب به پشت بستون چسبیده‌اند و دستهایشان بهم بسته شده و در مقابل صورت آنها قرار دارد . پستانها و اندام بدن ربت‌النوعها خیلی برجسته نشان داده شده و در حال نیایش دیده می‌شوند .

یکی از پاهای ربت‌النوعها زیر تنه جمع شده و پای دیگر از نیمه تا خورده و بوسیله يك حلقه فلزی به حلقه زیرین سه پایه مربوط میگردد .

### ۲ - سرپوش مفرغی روی سه پایه

یادآوری گردید که در موقع خاکبرداری سرپوشی بر روی سه پایه قرار داشت . شکل آن بصورت يك مخروط ناقص و چند جای بدنه ظرف با کلنگ صدمه دیده است . سرپوش چون بصورت مخروط ناقص می‌باشد در موقع قراردادن روی سه پایه قسمتی از آن داخل سه پایه فرو میرود و با افروختن آتش